

علمی-پژوهشی  
فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر  
سال هشتم، شماره دوم، پیاپی (۲۵)، تابستان ۱۳۹۳  
تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۳۱  
صص ۲۵-۵۰

## بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی بانوان جوان و مشارکت آنان در فعالیت‌های ورزشی در شهر یزد

محمد تقی ایمان<sup>۱</sup>، زهرالسادات بنی فاطمه<sup>۲</sup>

### چکیده

در دنیای امروز شرکت در فعالیت‌های ورزشی، به عنوان یک عنصر اساسی در زندگی افراد به شمار می‌آید، سرمایه اجتماعی هر فرد مهمترین بستری است که فرد بر اساس آن به مشارکت ورزشی می‌پردازد. از این جهت، هدف از این تحقیق بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی بانوان جوان و مشارکت آنان در فعالیت‌های ورزشی است. از نظریه سرمایه بورديو به عنوان چارچوب نظری این پژوهش استفاده شد و همچنین جامعه آماری را بانوان جوان ۱۸-۳۵ ساله شهر یزد تشکیل داده و برای گردآوری داده‌ها تعداد ۲۰۰ نفر از آنان به عنوان نمونه به شیوه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت ورزشی زنان جوان

۱- Iman@shirazu.ac.ir

۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

zsbanifateme@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه شیراز

۱۸ تا ۳۵ ساله شهر یزد، در سطح متوسطی می‌باشد. مقایسه میانگین مشارکت ورزشی در میان پاسخگویان بر حسب سن و اشتغال تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد. اما مقایسه میانگین مشارکت ورزشی در میان پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. بر اساس نتایج رگرسیون، متغیرهای ارتباطات اجتماعی ( $r=0/280$ ) و هویت اجتماعی ( $r=0/113$ ) بر متغیر مشارکت ورزشی تاثیر مستقل و معناداری داشتند که در این میان بیشترین تاثیرگذاری مستقیم بر نمره مشارکت ورزشی مربوط به مصرف رسانه‌ای ( $r=0/463$ ) است. در نهایت سرمایه اجتماعی ( $r=0/944$ ) بیشترین تاثیر مستقیم را بر متغیر مشارکت ورزشی دارد بنابراین با توجه به نتایج تحقیق می‌توان به این هدف کلی دست یافت که سرمایه اجتماعی بر مشارکت ورزشی زنان جوان شهر یزد تاثیر بسزایی دارد.

**واژه‌های کلیدی:** سرمایه اجتماعی، مشارکت، ورزش، زنان، یزد.

## مقدمه

مشارکت زنان در جامعه پیشینه‌ای به قدمت تاریخ حیات آن جامعه دارد با وجود نابرابری‌های جنسیتی که تقریباً در تمام طول تاریخ زندگی زنان وجود داشته با این حال زنان برای مشارکت هرچه بیشتر در صحنه بیرونی راه‌های طولانی را پیموده‌اند که یکی از این مسیرها، مشارکت ورزشی و فعالیت ورزشی است.

در سال ۱۷۹۱ "المپ دوگوژ" در پاسخی علیه اعلامیه حقوق بشر که هیچ‌گونه اشاره‌ای به زنان نکرده بود، "اعلامیه حقوق زنان" را منتشر کرد، و از همان زمان، حرکت‌هایی برای اعطای حقوق مساوی با مردان آغاز شد (مصفا، ۱۳۷۵: ۵۸). به تدریج قرن اخیر با تحولی سریع و عمیق در نقش زنان همراه شد، اما می‌توان گفت که آنان هنوز سهمی اندک از فرصت‌های توسعه را در بسیاری از جوامع دارند. زنان خیلی کمتر از مردان امکان باسواد شدن دارند به گونه‌ای که در جنوب آسیا نرخ سواد زنان حدود ۵۰ درصد مردان است و در بسیاری از کشورها وضع از این هم وخیم‌تر است (صداقتی فرد و ارجمند، ۱۳۸۹: ۱۰۳). در حیطه ورزش نیز به دلایل فراوانی که اغلب آنها فرهنگی-اجتماعی هستند، زن در طول تاریخ فرصت کافی پیدا نکرده است تا شایستگی خود را برای مشارکت فعال در ورزش به اثبات برساند؛ در رسوم

عهد یونانیان طبق تاریخ المپیک آمده است که، زنان به هیچ وجه حق حتی تماشای بازی‌ها را نداشتند و مجازات زنانیکه در تماشای بازی‌های مخفیانه شرکت می‌کردند، اعدام بود (قبری- نیاکي، ۱۳۶۵: ۲۸). چون مرزهایی که در برابر زن نهاده شده به وسیله نقش‌های اجتماعی او که همان موجود مونث است، ترسیم شده است، نظم طبیعی دنیا، به طور تاریخی چنین فرض شده است که: مردان در بازار کار، زنان در خانه و همراه خانواده، مرد صاحب اختیار، زن مطیع، مرد متفکر، زن صاحب احساس، مرد مسلط، زن تحت انقیاد باشد (انورالخولی، ۱۳۸۳: ۱۰۲). اما با مطرح شدن فرصت‌های برابر در میان افراد جامعه، بنیان این نظم اجتماعی به چالش کشیده شد و در دوره‌های اخیر شاهد حضور روز افزون زنان در عرصه ورزش و فعالیت‌های بدنی چه به صورت تفریحی- فردی و چه از لحاظ رقابتی- اجتماعی هستیم. زنان نیمی از جامعه بشری را تشکیل می‌دهند که مشارکت آنان در برنامه‌ریزی‌های گوناگون جامعه نقش اساسی در جهت توسعه کشور دارد. مشارکت یک فرد در گروه به اعتقاد هلی<sup>۱</sup> تابع عواملی چون: طبقه اجتماعی- اقتصادی او در جامعه، سطح تحصیلات، گروه سنی، جنسیت و عوامل خانوادگی (محل اقامت، وضعیت تاهل و نوع اجتماعی شدن) می‌باشد (هلی، ۱۹۹۷: ۵-۶). تمامی این عوامل را می‌توان در سرمایه اجتماعی جمع کرد؛ سرمایه اجتماعی فرایندی است که منجر به شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی و تسهیل هماهنگی و همکاری جهت تحقق اهداف می‌شود. زنان بر اساس سرمایه اجتماعی به کنش در جامعه می‌پردازند که مشارکت ورزشی نیز نوعی از این کنش است. اشنايدر<sup>۲</sup> مشارکت در ورزش را بازی سازمان‌یافته‌ای می‌داند که با تلاش بدنی همراه است، و با ساختار رسمی هدایت می‌شود، در قالب مراحل و قوانین رسمی رفتار انجام می‌شود و توسط تماشاگر مشاهده می‌شود (پارسامهر، ۱۳۸۸: ۲۶). از سوی دیگر، طبق آمار سازمان جهانی بی‌تحرکی یکی از ۱۰ علت عمده مرگ و میر در جهان است، همچنین طبق آمار دیگر در سراسر جهان حدود ۷۰ میلیون زن به دیابت مبتلا هستند که تا سال ۲۰۰۷ این مقدار به دو برابر افزایش می‌یابد یکی از مهمترین عوامل این مسئله عدم تحرک و فعالیت بدنی است (پایگاه اطلاعاتی پزشکان ایران، ۱۳۸۸). پژوهش‌ها در خصوص اینکه چرا افراد در

1 Helly

2 Shnaider

فعالیت‌های ورزشی (یا به صورت سازمان یافته یا در هنگام تفریح) مشارکت می‌جویند، اشاره به سه دلیل دارند: اول: اینکه افراد می‌خواهند قابلیت‌های بدنی خود را بهبود بخشیده و آن را به نمایش بگذارند نظیر مهارت‌های قهرمانی، آمادگی جسمانی و ظاهر فیزیکی بدن خود را بهبود بخشند. دوم: اینکه افراد سعی در کسب پذیرش اجتماعی و حمایت دیگران دارند، که حمایت و پذیرش باید از جانب دوستان، پذیرش از سوی هم سن و سالان و گروهی که به آن تعلق دارند و همچنین توسط بزرگسالان از قبیل (والدین، معلمان، مربیان ورزشی) مورد تایید، تشویق و ترغیب قرار بگیرند که این عوامل جز عوامل کلیدی شروع فعالیت و ادامه شرکت در اینگونه فعالیت‌ها می‌باشد. سوم اینکه سرخوشی، تفریح و سرگرمی که از شرکت در اینگونه فعالیت‌ها حاصل می‌شود سبب افزایش تجارب مثبت و کاهش تجارب منفی مرتبط با فعالیت‌های ورزشی و بدنی گشته که احتمالاً لذت بردن از مشارکت در این گونه فعالیت‌ها باعث افزایش جذابیت اینگونه فعالیت‌ها و سبب کاهش جذابیت فعالیت‌های جانبی دیگر یا رفتارهای مخاطره آمیز می‌گردد. مشارکت ورزشی در دختران منجر به اعتماد به نفس بالا، رضایت بالا از بدن، افسردگی پایین، و عصبانیت پایین تر می‌شود (کوپر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰:۳). همچنین مشارکت ورزشی در مراکز آموزشی و دبیرستان و غیره منجر به کاهش رفتارهای پر خاشگرانه و پیشرفت فرصت‌های ورزشی برای جوانان می‌شود (اسمیت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱:۲۰). از سوی دیگر امروزه با شیوع ارزش‌های فرهنگ غربی در جامعه و تمایل زنان جامعه‌ی ما برای نزدیک شدن به این ارزش‌ها، از استراتژی‌های نامناسب مختلفی، اعم از رژیم‌های غذایی نامناسب، عمل‌های جراحی نامناسب مثل لیپوساکشن و پوشش‌های نامناسب لباسی که در جامعه‌ی ما رایج شده است استفاده می‌کنند. در حالیکه ورزش و فعالیت‌های ورزشی به عنوان یکی از بهترین استراتژی‌ها برای بهبود وضعیت موجود در جامعه‌ی زنان کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در برداشت ذهنی متداول در فرهنگ عمومی جامعه ایران، ساکنان یزد از دیرباز به عنوان مردمانی دارای صفات قناعت پیشگی، مذهب و قنوت، شهری پر از قنات و کویری وسیع برای توسعه و گسترش صنعت قلمداد می‌شود. از سوی دیگر، یزد شهری است که جمعیت آن نسبتاً همگون و فاقد

1 Cooper

2 Smith

تنوعات چشمگیر قومی، زبانی و مذهبی است و از نظر بسیاری از عناصر فرهنگی، در زمره شهرهای سنتی و مذهبی ایران قلمداد می‌شود (عسکری‌ندوشن، ۱۳۹۰: ۱۰۲). وجود ویژگی‌ها و عناصر فرهنگی خاص، سیمای متمایزی به شهر یزد بخشیده و بستر اجتماعی بکر و مناسبی را برای مطالعه فرایندهای مختلف تغییر اجتماعی در این شهر فراهم نموده است. از آنجایی که سرمایه اجتماعی، فرایندی است که بر مبنای آن هر فردی روایتی خاص از زندگی و هویتش را برای دیگران به نمایش می‌گذارد و از سویی جامعه شهر یزد نیز در حال گذار از جامعه سنتی به مدرن است اما هنوز ریشه‌های سنتی - مذهبی در این جامعه محکم است، بدیهی است که فرایندهایی بر مشارکت زنان در ورزش تاثیر گذار هستند و یکی از این جریان‌ها، سرمایه و تجربیات هر زنی در طول دوران زندگی اوست که زن را به سمت ورزش سوق می‌دهد و با توجه به نظریه بوردیو می‌توان گفت مشارکت ورزشی زنان یک کنش است که تحت تاثیر منابع مختلف یا همان سرمایه بوجود می‌آید (ترنر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸: ۶۵). با این وصف این سوال به ذهن خطور می‌کند که سرمایه اجتماعی با داشتن مولفه‌های اجتماعی چه تاثیری بر مشارکت ورزشی بانوان دارد؟. بر این اساس هدف کلی از این تحقیق، شناسایی رابطه بین سرمایه اجتماعی بانوان جوان و مشارکت آنان در فعالیت‌های ورزشی و به طور خاص در سطح شهر یزد است. در این راستا اهدافی چون: سنجش میزان فعالیت ورزشی پاسخگویان، مطالعه رابطه عوامل مختلف زمینه‌ای با میزان مشارکت ورزشی بانوان جوان و شناسایی رابطه بین هویت اجتماعی و مشارکت ورزشی بانوان جوان مدنظر است.

### چارچوب نظری

مشارکت را می‌توان به اشکال مختلف تعریف کرد و این امر از ماهیت چند بعدی مفهوم مشارکت برمی‌خیزد. اینگلهارت افزایش مشارکت در مغرب زمین را با سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، دسترسی به رسانه‌ها و تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی مردم (ارزش‌های مادی و ارزش‌های فرامادی) هم‌پسته می‌داند. همچنین به رابطه‌ی بین اعتماد و مشارکت توجه دارد و معتقد است که اعتماد به یکدیگر، از

عوامل موثر بر میزان مشارکت محسوب می‌شود (یزدان‌پناه و صمدیان، ۱۳۸۷: ۱۳۱). گائوتری مشارکت را فرآیندی اجتماعی، عمومی یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چند فرهنگی می‌داند که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است (گائوتری<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶: ۳۷). آلموند و وربا<sup>۲</sup> استدلال می‌کنند که یکی از شیوه‌های مشارکت، یاری خواستن از دیگران است و این شیوه همان همیاری مدنی یا میل به همکاری با دیگران است. به نظر آنان افراد جهت‌کنش موثر در عرصه‌های مختلف، راهکار جمعی و گروهی را اختیار می‌کنند. افراد با حضور و فعالیت در سازمان‌ها، اتحادیه‌ها و گروهی‌های مشارکتی، درصدد افزایش ارتباطات اجتماعی خود هستند، این‌گونه ارتباطات، باعث تغییر موقعیت و افزایش سرمایه اجتماعی و انسانی آنها در جامعه می‌شود (مولیناس<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸: ۴۱۶).

از نظر آیزن<sup>۴</sup> و فیشبان<sup>۵</sup>، رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید و حلقه‌ی ماقبل بروز رفتار، قصد و نیت رفتاری است. به نظر آنان قصدها به نگرش‌ها و هنجارهای مرتبط با رفتار متکی هستند. بنابراین یک رفتاری مانند مشارکت ورزشی، ضرورت دارد، نیت افراد بر مبنای دو عامل فردی که گرایش فرد نسبت به رفتار مورد نظر و عامل اجتماعی یعنی آگاهی فرد از فشارها و هنجارهای اجتماعی مربوط به انجام یا عدم انجام رفتار استوار می‌باشند. در واقع در این تئوری رفتار باید ارادی و خاص باشد، نیت مردم برای انجام یک رفتار خاص مانند ورزش، به عنوان تعیین‌کننده مهم و بلاواسطه عمل آنها کار می‌کند (گودین، ۱۹۹۰: ۱۰۳). مشارکت در ورزش را می‌توان فعالیت جسمی آدمی که تحت قوانین بدون انجام می‌گیرد تعریف کرد، و اندرزواگ<sup>۶</sup> مشارکت در ورزش را نوعی فعالیت جسمی رقابتی می‌داند که از تجهیزات و امکانات ویژه‌ای، برای ابعاد زمانی و مکانی واحد بهره می‌گیرد (پارکز، ۱۳۸۲: ۳).

---

1 Gaotri  
2 Almond & Verba  
3 Molinas  
4 Ajzen  
5 Fishbien  
6 Vanderzovag

نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام، مشارکت اجتماعی را در زمینه گسترده‌تری می‌بیند و آن را با عوامل مختلفی همچون اعتماد و وجود شبکه‌ها و هنجارها مرتبط می‌داند. بحث اصلی این نظریه این است که اعتماد اجتماعی ضروری در تقویت همکاری و افزایش مشارکت مدنی و گسترش شبکه‌های اجتماعی است. به بیان بهتر، اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی است و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. اعتماد، مشارکت را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌های مختلف جامعه افزایش می‌دهد (زین‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۱).

از نظر فوکویاما، سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه‌ی معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهم هستند، مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چراکه این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۰). هنجارهای غیررسمی موجب کاهش هزینه‌ها و تسهیل سازگاری‌های گروهی می‌گردد. به علاوه، این هنجارها تقسیم‌پذیرند، یعنی می‌توانند تنها میان گروه محدودی از مردم همان اجتماع مشترک باشند و نه در میان دیگران، در حالیکه سرمایه اجتماعی در همه جوامع وجود دارد اما می‌تواند به طرق مختلف توزیع گردد (همان: ۱۲). وی منابع سرمایه اجتماعی را در چهار گروه دسته‌بندی می‌کند: ۱- منابعی که به صورت نهادی ساخته می‌شود. ۲- منابع خود جوش. ۳- منابع برون‌زا مانند: دین، ایدئولوژی، فرهنگ و تجربه-ی تاریخی مشترک. ۴- منابع طبیعی که از طریق نظام خویشاوندی و یا قومیت و نژاد ساخته می‌شود (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۹۷-۱۰۷).

زمانی که منابع به عنوان رابطه اجتماعی قدرت مطرح می‌شود بوردیو منابع را به عنوان سرمایه معرفی می‌کند (اسوارتز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲: ۷۳). سرمایه عبارتند از کار انباشت شده‌ی عامل یا گروهی از عاملان که باعث می‌شود این عاملان بتوانند انرژی اجتماعی را جسمیت ببخشند و به حالت ماده در آورند. برای بوردیو سرمایه شکلی از قدرت و ظرفیت افراد و گروه‌هاست که

توانایی برخورد با آن را در تغییر یا کنترل موقعیت‌ها می‌داند. درجه‌ای از سرمایه قابل دسترس که کنشگر اجتماعی می‌تواند وسعت کنترل را روی خود و دیگران تعیین کند. بورديو انواع سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی فرهنگی، سرمایه‌ی تعلیم و تربیتی و سرمایه‌ی نهادی را، معرفی می‌کند (مهرآیین، ۱۳۸۷: ۱۱۷). سرمایه‌ی اقتصادی اشاره به ثروت و پول دارد، سرمایه‌ی فرهنگی به مصرف کالاهای فرهنگی و بیان سلیقه، سرمایه‌ی تعلیم و تربیتی به ذخیره صلاحیت‌ها و سرمایه‌ی نمادین به اعتبار و پندار اشاره دارد. سرمایه اجتماعی از منظر پی‌یر-بورديو، موفقیت‌ها و روابط در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد. او تطابقی میان جایگاه اجتماعی، سلیقه‌ها و رفتارها در نظر می‌گیرد. به عبارت دیگر، او قائل به تطابق بین فضای طبقات و فضای رفتارهای هر یک از طبقات است. برای مثال طبقه‌ی برتر، چه نوع ورزش‌ها، سبک زندگی، گرایش‌های سیاسی و غیره را ترجیح می‌دهد (شارع‌پور و حسینی‌راد، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

بورديو معتقد است میدان، همان زمینه‌ای است که بازی در آن رخ می‌دهد و عامل آن را درونی می‌کند. یعنی هنگامیکه تعریف‌های رسمی از انسان و همچنین معرفی‌ها و بازنمایی‌های او در فضایی اجتماعی به عادت تبدیل می‌شود. در این فضا، عوامل انسانی طبق جایگاهی که در فضای اجتماعی دارند و با ساختارهای ذهنی، که به وسیله‌ی آنها این فضا را ادراک می‌کنند، مشارکت می‌نمایند (بورديو، ۱۳۸۰: ۴۸). بورديو میدان‌های هنری، مذهبی، ورزشی یا اقتصادی را برای مثال مطرح می‌کند. ما نمی‌توانیم از سرمایه‌ی هر یک از اینها بدون ارجاع به میدان آنها صحبت کنیم. میدان فضای بالقوه‌ای است که در آن تغییر انجام می‌شود: "مانند فضای نیروهای بالقوه و فعال"، میدان همچنین زمینه‌ی رقابتی است با هدف باقی نگه‌داشتن یا دگرگونی این نیروها، انحصار باشگاه‌های ورزشی بطور مداوم و قابل توجه تأیید قدرت ساختمان بدنی در تولید مجدد خودش را در مقاطع زمانی مختلف تغییر می‌دهد، و با وفق دادن خود با شکل‌های اساسی خود را حفظ می‌کند، ماهیت نخبه‌گرایی باشگاه‌های ورزشی و نهادهای این چنینی مانند باشگاه کریکت مجلل لردها در لندن با لیست‌های انتظار طولانی و رفتار خودستایی افسانه‌ای می‌تواند شکلی کلاسیک از باز تولید فرهنگی باشد، در جایی که



همه‌ی عناصر سرمایه به طرف ساختن و خلق یک طبقه‌ی حاکم خاص و ساخت جسمانی پدرسالارانه که توسط نسل‌ها و قرن‌ها تحمل شده است کشیده می‌شوند (مهرآیین، ۱۳۸۷: ۱۱۸). میدان بر مبنای سرمایه ساخته می‌شود و هر قدر سرمایه‌ی فرد بیشتر باشد، در میدان اجتماعی، در موقعیت بالاتری قرار می‌گیرد. بوردیو استدلال می‌کند مردمی که به طور نزدیک در یک میدان اجتماعی قرار دارند، دارای مشابهت‌های بسیار هستند؛ حتی اگر هرگز یکدیگر را ندیده باشند. به عبارت دیگر، مردمی که در یک میدان اجتماعی مشابهی قرار دارند (گیبیز و ریمر، ۱۳۸۱: ۱۱۶).

### مروری بر تحقیقات پیشین

در سالهای اخیر مشارکت ورزشی و فعالیت‌های ورزشی مورد توجه بسیاری از محققان و اندیشمندان قرار گرفته است؛ چنانکه پژوهش‌های انجام شده در حوزه ورزش نشان می‌دهد که، عواملی مانند کسب موفقیت، داشتن فضای دوستی، آمادگی جسمانی، تخلیه انرژی، افزایش مهارت و سرگرمی به عنوان عوامل اصلی شرکت در فعالیت‌های ورزشی هستند (کارون<sup>۱</sup>، ۱۹۷۷: ۸۴۱-۸۳۵). همچنین از نظر روبرت موضوع مشترک در اکثر پژوهش‌های مربوط به مشارکت در ورزش توجه به جنسیت، فرهنگ و اجتماعی شدن است (روبرت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲: ۳۱-۳).

رحمانی فیروزجاه و همکارانش (۱۳۹۰) در نتایج خود در مقاله "سنجش تمایز سرمایه اجتماعی جوانان با محوریت مشارکت ورزشی (مطالعه موردی: دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار دانشگاه مازنداران)"، نشان دادند که؛ تفاوت اندکی میان اعتماد اجتماعی دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار وجود دارد و میان کنش یارگرایانه دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار تفاوت اندکی وجود دارد، اما میان مشارکت انجمنی ورزشکاران و غیر ورزشکاران تفاوت معنی‌داری وجود دارد، در نهایت بین میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار تفاوت معناداری وجود دارد که مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد این تفاوت به نفع

ورزشکاران است. شارع‌پور و حسینی‌راد (۱۳۸۷) در مقاله علمی خود که با عنوان "بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت ورزشی (مطالعه موردی شهروندان ۱۵-۲۹ ساله‌ی شهر بابل)" انجام دادند نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که؛ مولفه‌های ارتباطات دوستانه، اعتماد به دوستان، اعتماد به همسایگان، روابط همسایگی و انجام فعالیت‌های داوطلبانه، همبستگی معنی‌داری با مشارکت ورزشی دارند. براساس نتایج رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر، متغیرهای عضویت داوطلبانه، اعتماد به دوستان، وضعیت اقتصادی خانواده و ارتباطات دوستانه به ترتیب مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های مشارکت ورزشی‌اند. پارسامهر و ترکان (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان "بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی (مطالعه موردی: پرستاران بیمارستان‌های دولتی شهر یزد)" که به روش پیمایشی و به صورت مقطعی انجام شد؛ نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی چندگانه نشان داد که، متغیرهای لذت بردن از ورزش، کاهش وزن و مهارت در انجام حرکات ورزشی در مرحله اول و سرمایه اجتماعی در مرحله دوم توانسته‌اند به ترتیب  $14/4$  و  $4/9$ ٪ از واریانس متغیر مشارکت ورزشی پرستاران را تبیین کنند. آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت پرستاران در فعالیت‌های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد. ولی سرمایه اجتماعی نتوانست بخش زیادی از واریانس متغیر مشارکت ورزشی را تبیین کند در حالی که سایر متغیرهای منافع جسمانی، روانی و اجتماعی قادر به تبیین سهم بیشتری از واریانس مشارکت ورزشی پرستاران بود.

بال<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۱۰) در پژوهشی تحت عنوان "ارتباط سرمایه اجتماعی و جرم با فعالیت‌های فیزیکی زنان" به این نتیجه می‌رسد که زندگی در محلاتی که افرادش به هم اعتماد بیشتری دارند، زنان فعالیت ورزشی بیشتری در زمان اوقات فراغت خود دارند. در مقاله‌ی تامز<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) با عنوان "آیا ورزش کردن سرمایه اجتماعی است؟ شرکت در ورزش یک سبک زندگی از مشارکت در جامعه است." این فرضیه را دنبال می‌کند که: طبق نظریه سرمایه اجتماعی، مشارکت و روابط ورزشی منجر به فعالیت‌هایی خارج از محیط ورزش می‌شود.

1 Ball

2 Thomas

یافته‌ها نشان داد که مشارکت ورزشی رابطه‌ی مثبتی با دخالت بزرگسالان در فعالیت‌های اجتماعی دارد، اما در مورد جوانان کمتر است. این یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که اثرات مشارکت ورزشی جوانان بالغ بر مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در سراسر چرخه عمر به طول می‌کشد.

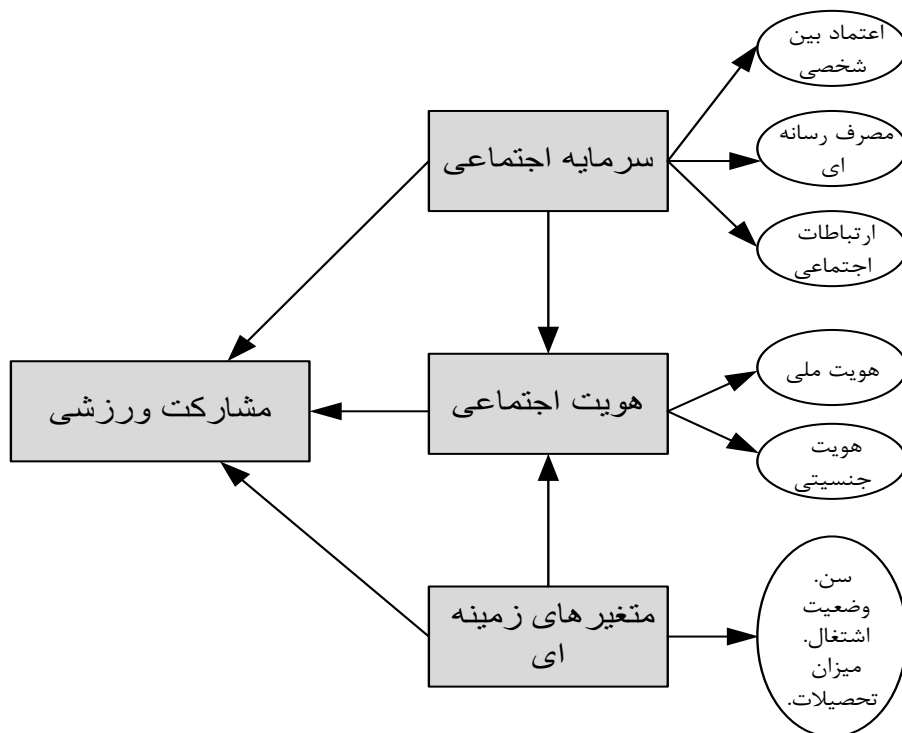
همچنین سیپل<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در تحقیق خود با عنوان "ورزش و سرمایه اجتماعی" که در نروژ انجام داد به این نتیجه رسید که افرادی که به صورت داوطلبانه در سازمان‌های ورزشی مشارکت دارند، از میزان سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند. همچنین او دریافت که سرمایه اجتماعی در ورزش، باعث افزایش اعتماد به نفس، گسترش ارتباطات اجتماعی و تقویت اخلاق‌گرایی می‌شود. تانتز<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) در پژوهشی تحت عنوان "ورزش رقابتی و سرمایه اجتماعی در روستاهای غرب استرالیا" عنوان می‌کند که ورزش قسمت مهمی از زندگی روستائیان استرالیایی و سرمایه اجتماعی هم منبع مثبتی در محدوده‌های روستایی است. این مقاله نشان داد که ورزش یک عرصه مهم برای ایجاد و حفظ سرمایه اجتماعی است. براساس نظریه بورديو می‌توان این قضیه را عنوان کرد که اگر افراد سرمایه اجتماعی بالاتری داشته باشند، پس مشارکت ورزشی آنان بیشتر است و اگر افراد هویت اجتماعی بالاتری داشته باشند، پس مشارکت ورزشی آنان بیشتر است. در نهایت با توجه به قضایای مورد نظر و مطالعات تجربی و مشاهدات میدانی زنان جوان، فرضیه‌های این پژوهش عبارتند از: ۱- بین اعتماد بین شخصی و میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۲- بین مصرف رسانه‌ای و میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۳- بین ارتباطات اجتماعی و میزان مشارکت زنان در ورزش رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۴- بین هویت اجتماعی زنان و مشارکت ورزشی رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۵- بین سن زنان و میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۶- بین وضعیت اشتغال زنان و میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۷- بین میزان تحصیلات زنان و میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

---

1 Seippel

2 Tontes

## مدل مفهومی و تجربی تحقیق



نمودار ۱- مدل مفهومی و تجربی تحقیق منبع: تهیه شده توسط محقق

## روش تحقیق

در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات از روش پیمایش و تجزیه و تحلیل داده‌ها از بسته آماری برای علوم اجتماعی<sup>۱</sup> استفاده می‌شود. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق بانوان جوان ورزشکار ساکن شهر یزد است که کل جامعه آماری ۱۱۴۰۰ نفر می‌باشد. با استفاده از فرمول کوکران با ضریب اطمینان ۹۵ درصد تعداد ۲۰۰ نفر بعنوان حجم نمونه (افراد) با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی تعیین شد. به اینصورت که از سه منطقه شهر یزد، تعداد مشخصی باشگاه ورزشی بوسیله فرمول کوکران بصورت تصادفی انتخاب و سپس با استفاده از

روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک از هر باشگاهی، افرادی انتخاب شدند. افراد نمونه ۲۰۰ نفر زن، در مقاطع تحصیلی مختلف (دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و بالاتر) و گروه‌های سنی (۱۸-۳۵ سال) هستند. همچنین برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه به شکل حضوری استفاده شده است. قبل از شروع مصاحبه به پاسخگو اطلاعات کافی در زمینه ماهیت پژوهش و آنچه از پاسخگویان انتظار می‌رود در اختیار محقق قرار گیرد و نیز اطمینان داده شد که اطلاعات مربوط به ایشان با نهایت امانت‌داری تحلیل خواهد شد.

متغیر مشارکت ورزشی توسط پرسشنامه‌ی محقق ساخته با سوالات باز و بسته مورد پرسش قرار گرفته است. میزان شرکت زنان در فعالیت‌های ورزشی در طول ۱۲ ماه گذشته در تمامی سلسله مراتب به جز ورزش تربیتی و آموزشی را شامل می‌شود. متغیرهای مستقل این پژوهش با پرسشنامه محقق ساخته و با استفاده از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت مورد پرسش قرار می‌گیرد. در پژوهش حاضر از اعتبار صوری و نظر کارشناسان و صاحب‌نظران استفاده شده و برای سنجش پایایی ابزار سنجش (پرسشنامه)، ضریب آلفای کرونباخ و بررسی بار عاملی محاسبه گردیده است. ضرایب آلفای کرونباخ حاصل از آزمون متغیرهای مستقل از حداقل ۰/۶۰ مربوط به متغیر اعتماد بین شخصی تا حداکثر ۰/۸۲ مربوط به متغیر هویت اجتماعی بدست آمد. در مجموع طیف‌های مورد استفاده برای متغیرهای مستقل از پایایی بالایی برخوردارند.

بررسی بار عاملی ابعاد سرمایه اجتماعی در نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد که مصرف رسانه‌ای با ضریب ۰/۲۹۸، اعتماد بین شخصی با ضریب ۰/۷۱۴ و ارتباطات اجتماعی با ضریب ۰/۳۶۳ خوبی توانسته‌اند سرمایه اجتماعی را در این پژوهش تبیین کنند. برای سنجش هویت اجتماعی در این پژوهش هویت ملی با ضریب ۰/۴۸۷ و هویت جنسیتی با ضریب ۰/۸۱۴ استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله شاخص‌های آمار توصیفی از برنامه اس‌پی‌اس‌اس<sup>۱</sup> و به منظور بررسی نحوه تاثیرات عوامل و تعیین‌کننده‌های زمینه‌ای، متغیرهای مستقل و هویت

اجتماعی بر مشارکت ورزشی از آزمون‌های مختلف آماری نظیر تحلیل واریانس، ضریب همبستگی، رگرسیون چندمتغیری و برای تعیین ضرایب پنهان از برنامه آیموس<sup>۱</sup> استفاده شد.

### یافته‌های تحقیق

داده‌های تحقیق، حاصل استخراج پرسشنامه‌هایی است که توسط ۲۰۰ نفر بانوان جوان ورزشکار در شهر یزد تکمیل گردیده و اساس تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر قرار گرفته است. نتایج بررسی‌های توصیفی نشان می‌دهد که میانگین سنی پاسخگویان ۲۴ سال است. بیشترین مشارکت ورزشی از نظر سن ۳۷ درصد متعلق به رده سنی ۱۸-۲۳ و کمترین مشارکت ورزشی ۲۸/۵ درصد به رده سنی ۳۰-۳۵ سال تعلق داشت. توزیع پاسخگویان در بین مقاطع تحصیلی نشان داد که ۴۹ درصد از آنها در مقطع لیسانس و ۳۱ درصد در مقطع دیپلم قرار داشتند. از نظر وضعیت اشتغال، بیشترین فراوانی و کمترین فراوانی از نظر وضعیت اشتغال متعلق به ۳۹/۵ درصد دانشجو و ۷ درصد بیکار است. همچنین ۲۵ درصد از زنان شاغل و ۲۸/۵ درصد خانه‌دار بودند.

حاصل جمع میزان فعالیت ورزشی زنان جوان هم در خانه و هم در خارج از منزل بیشترین مدت زمان بین ۴۰ تا ۸۰ دقیقه بود که ۳۶/۵ درصد افراد فعالیت ورزشی داشتند و کمترین میزان بین ۱۶ تا ۲۰۰ دقیقه بود که ۴ درصد افراد به ورزش پرداخته بودند. یافته‌های توصیفی مشارکت ورزشی گویای آن است که زنان ورزشکار به هفده گروه ورزشی تقسیم می‌شوند. بیشترین میزان فراوانی پاسخگویان به ترتیب ۷/۲، ۷، ۵/۸ درصد در رشته‌های کاراته، آیروبیک و بدنسازی قرار دارند و کمترین میزان فراوانی در رشته‌های پیاده‌روی، بستکبال، بدمیتون، آمادگی جسمانی و اسکواش با ضریب ۱ درصد قرار دارند.

## مدل‌سازی معادله ساختاری

جدول زیر نتایج مدل نهایی را نشان می‌دهد که بر اساس فرضیات پژوهش، در سه شاخص‌های برازش مطلق<sup>۱</sup>، شاخص‌های برازش تطبیقی<sup>۲</sup>، شاخص‌های برازش مقتصد<sup>۳</sup> بعد از اصلاح مدل تدوین شده است. هر چند مدل تدوین شده با شرایط ایده‌آل فاصله دارد اما در مجموع شاخص‌های خوبی هستند و بنابراین مدل بدست آمده نهایی تلقی می‌شود.

جدول ۱، مدل نهایی

مقدار		شاخص	نوع شاخص
مدل ثانویه	مدل اولیه		
۳۰۶۳/۲۳۹	۳۳۱۵/۷۹۰	کای اسکوئر ( $\chi^2$ )	مطلق
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری <sup>۴</sup> (P-Value)	
۸۰۱	۸۰۳	درجه آزادی <sup>۵</sup> (df)	
۰/۶۰۷	۰/۵۶۳	برازش افزایشی (IFI)	تطبیقی
۰/۵۷۳	۰/۵۲۷	برازش توکر لویس (TLI)	
۰/۶۰۳	۰/۵۵۹	برازش تطبیقی (CFI)	
۰/۹۳۰	۰/۹۳۳	نسبت اقتصاد	مقتصد
۰/۴۹۵	۰/۴۶۱	برازش هنجار شده مقتصد	
۰/۵۶۱	۰/۵۲۱	برازش تطبیقی مقتصد	

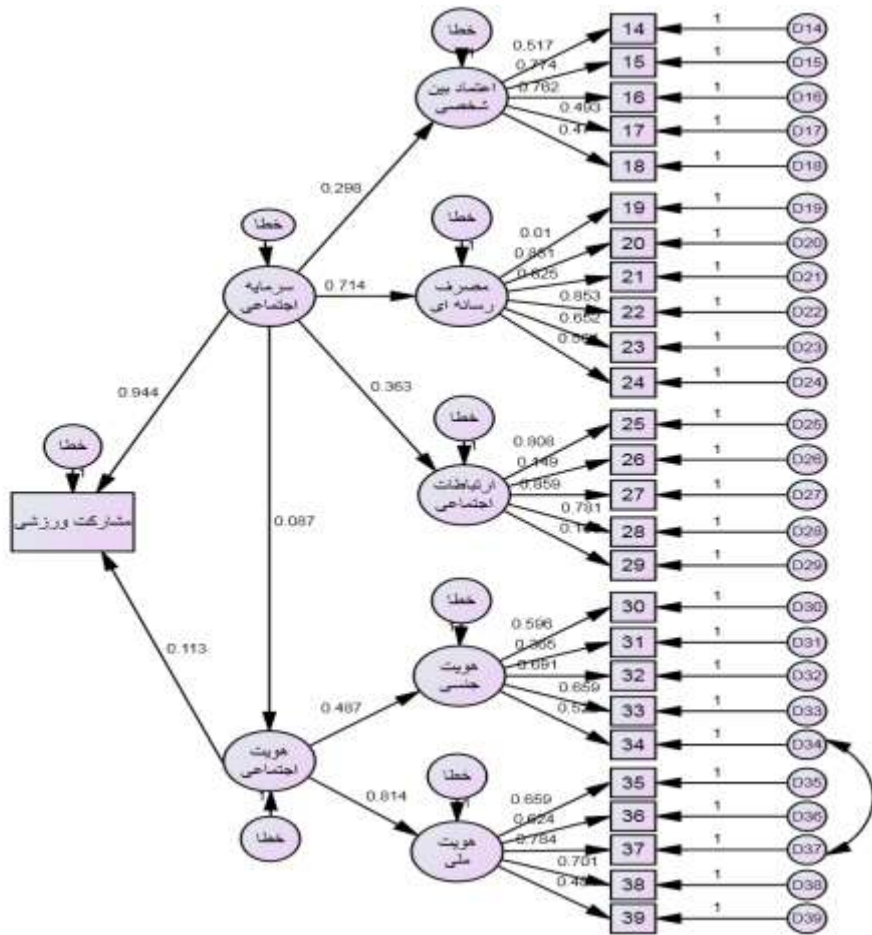
1 Absolute Fit Indices

2 Comparative Fit Index

3 Parsimoniuse Fit Index

4 P Value

5 Degree of Freedom



نمودار ۲- مدل نهایی تحقیق منبع: تهیه شده توسط محقق

### تحلیل رگرسیون

تحلیل‌های چند متغیره به ما اجازه می‌دهد تا اهمیت نسبی هر متغیر مستقل را بر متغیر وابسته (مشارکت ورزشی) با کنترل سایر متغیرهای مستقل بررسی و ارزیابی کنیم. بعلاوه، نتایج این تحلیل‌ها میزان اثرات جمعی متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته بررسی می‌کنند و به بیان دیگر، نشان می‌دهند که چند درصد از واریانس متغیر مشارکت ورزشی توسط اثرات جمعی متغیرهای مستقل تبیین می‌شوند. تمامی متغیرهای پژوهش در تحلیل رگرسیون به طور جداگانه



تحلیل شد که خلاصه‌ای از این مدلها و آماره‌های مرتبط با هر کدام در جدول شماره ۲، ارائه شده است.

**جدول ۲، مشخص کننده‌های آماری و جهت تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل به صورت تفکیکی بر مشارکت ورزشی**

مشارکت ورزشی					متغیر وابسته	
سطح معناداری	ضرایب استاندارد شده Beta	ضریب استاندارد نشده B	ضریب تعیین شده R <sup>۲</sup>	ضریب همبستگی R	متغیر مستقل	
۰/۴۳۰	-۰/۰۴۴	-۱۷/۰۳	۰/۰۵۸	۰/۲۴۱	اعتماد بین شخصی	۱
***	۰/۴۶۳	۲۴/۷۴	۰/۴۹۳	۰/۷۰۲۰	مصرف رسانه‌ای	۲
***	۰/۲۸۰	۱۶/۰۹	۰/۳۴۲	۰/۵۸۵	ارتباطات اجتماعی	۳
۰/۰۵۷	۰/۱۱۳	۱۳/۱۰	۰/۰۸۴	۰/۲۹۰	هویت اجتماعی	۴
۰/۰۰۰	---	---	---	۰/۲۳۶	سن	۵
۰/۰۱۲	---	---	---	---	وضعیت اشتغال	۶
۰/۰۵۶	---	---	---	---	میزان تحصیلات	۷

\*\*\*=کمتر از ۰/۰۰۱

با توجه به جدول شماره ۲، نتایج رگرسیون و سطح معناداری رابطه میان متغیر اعتماد بین شخصی با مشارکت ورزشی زنان جوان شهر یزد را تأیید نمی‌کند.

با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) و مقدار ضریب رگرسیون (۰/۴۶۳) بین مصرف رسانه‌ای و مشارکت ورزشی مشاهده شده در جدول شماره ۲، رابطه خوبی بین مصرف رسانه‌ای و مشارکت ورزشی می‌باشد و با توجه به اینکه جهت رابطه مثبت است با افزایش مصرف رسانه‌ای، مشارکت ورزشی نیز افزایش می‌یابد.

سطح معنی‌داری بین متغیر ارتباطات اجتماعی با مشارکت ورزشی در جدول ۲، نشان می‌دهد که این فرضیه تأیید شده است و با توجه به اینکه جهت رابطه مثبت است با افزایش ارتباطات اجتماعی، مشارکت ورزشی نیز افزایش می‌یابد. مقدار ضریب (۰/۳۶۶) نشانگر رابطه

خوبی بین ارتباطات اجتماعی و مشارکت ورزشی وجود دارد. نتایج ضریب رگرسیون (۰/۱۱۳) جدول شماره ۲ در خصوص وجود رابطه میان متغیر هویت اجتماعی با مشارکت ورزشی زنان جوان یزد، معنادار بودن این رابطه را تایید می‌کند. نتایج ضریب پیرسون میان سن پاسخگویان و مشارکت ورزشی در جدول شماره ۲، معنادار بودن این رابطه را تایید می‌کند. برای رابطه بین دو متغیر یاد شده مثبت است، به عبارتی با افزایش سن، مشارکت ورزشی مثبت افزایش می‌یابد. مقایسه میانگین مشارکت ورزشی در میان پاسخگویان بر حسب وضعیت اشتغال با استفاده از آزمون تحلیل واریانس در جدول ۲، نشان می‌دهد که میزان مشارکت ورزشی در بین آنان تفاوت معنی‌داری دارد. بنابراین وضعیت اشتغال زنان ورزشکار بروی مشارکت ورزشی تاثیرگذار است. مقایسه میانگین مشارکت ورزشی در میان پاسخگویان بر حسب مقاطع تحصیلی مختلف با استفاده از آزمون تحلیل واریانس در جدول ۲، نشان می‌دهد که مشارکت ورزشی در بین آنان تفاوت معنی‌داری ندارد. بنابراین بین مشارکت ورزشی و میزان تحصیلات زنان رابطه‌ای وجود ندارد. براساس این نتایج ملاحظه می‌شود که مصرف رسانه‌ای با ضریب تبیین ۰/۴۶۳ درصد بالاترین تغییرات را در متغیر مشارکت ورزشی زنان دارد.

### **بررسی ضرایب رگرسیونی رابطه مستقیم و غیر مستقیم در مدل**

عوامل تعیین کننده مدل پژوهش از راه مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند بر متغیر وابسته تاثیر بگذارند. بیشترین تاثیرگذاری مستقیم را بعد سرمایه اجتماعی بر روی متغیر مشارکت ورزشی با ضریب رگرسیونی ۰/۹۴۴ داشته است. نتایج تاثیرات دیگر متغیرها در جدول فوق نشان داده شده است. مصرف رسانه‌ای با ضریب رگرسیونی ۰/۴۶۳ و ارتباطات اجتماعی با ضریب رگرسیونی ۰/۲۸۰ در جایگاه دوم و سوم به طور مستقیم بر مشارکت ورزشی تاثیرگذارند.

### جدول ۲، ضرایب رگرسیونی رابطه مستقیم و غیر مستقیم در مدل

متغیر	متغیر	ضریب رگرسیونی	سطح معناداری
مصرف رسانه‌ای	مشارکت ورزشی	۰/۴۶۳	***
اعتماد بین شخصی	مشارکت ورزشی	-۰/۰۴۴	۰/۴۳۰
ارتباطات اجتماعی	مشارکت ورزشی	۰/۲۸۰	***
هویت اجتماعی	مشارکت ورزشی	۰/۱۱۳	۰/۰۵۷
سرمایه اجتماعی	هویت اجتماعی	۰/۰۸۷	---
سرمایه اجتماعی	مشارکت ورزشی	۰/۹۴۴	---
هویت جنسیتی	سرمایه اجتماعی	۰/۰۴۳	---
هویت ملی	سرمایه اجتماعی	۰/۰۷۱	---

\*\*\*=کمتر از ۰/۰۰۱

--- (به دلیل اثر غیر مستقیم)

### بحث و نتیجه گیری

زنان با توجه به مهارت‌های جسمی و سرمایه‌های اجتماعی که در طول دوران زندگی خود کسب کرده‌اند، به فعالیت ورزشی می‌پردازند. در این پژوهش که به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت ورزشی زنان جوان شهر یزد پرداخته شد، سرمایه اجتماعی به صورت سرمایه اقتصادی با شاخص وضعیت اشتغال، سرمایه فرهنگی با شاخص میزان تحصیلات، سرمایه اجتماعی با شاخص ارتباطات اجتماعی و سرمایه اجتماعی- فرهنگی با شاخص مصرف رسانه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. در واقع سرمایه اجتماعی با ضریب رگرسیون ( $r=0/994$ ) توانست به خوبی مشارکت ورزشی زنان یزدی را تبیین کند

نتایج آزمون فرضیات نشان می‌دهد که بین سن و مشارکت ورزشی رابطه مثبتی وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش سن، مشارکت ورزشی افزایش می‌یابد. نتیجه آزمون همبستگی پیرسون همسو با بحث‌های نظری اریکسون است. اریکسون معتقد است که افراد در سنین مختلف، مراحل بحرانی مختلفی را تجربه می‌کنند و در هر دوره سنی ویژگی خاصی حاکم است. مشارکت ورزشی یکی از ویژگی‌های متفاوت در گروه‌های سنی گوناگون است و علت

آن باز می‌تواند هیجانانگیز حاکم بر آن دوره باشد، در حقیقت سنین جوانی اوج قدرت، هیجان، شادابی و سرزندگی است. اریکسون ویژگی‌های دوره جوانی ۱۹-۳۵ سال را بطور کلی بیان می‌کند. این پژوهش، نشان می‌دهد که مشارکت ورزشی بعنوان ویژگی دیگر، درون تک تک سنین قرار گرفته در دسته جوانان، متفاوت می‌باشد. بنابراین می‌توان این قسمت را نیز به نظریه اریکسون افزود که درون هر گروه سنی کلی نیز تفاوت‌هایی بین تک تک سنین آن گروه سنی وجود دارد.

فرضیه رابطه بین وضعیت اشتغال و مشارکت ورزشی تایید شد. نتایج آزمون شفه آشکار می‌کند که بین افرادی که فعالیت کاری دارند، با افراد بیکار و محصل تفاوت وجود دارد. ورزش و مشارکت در آن یکی از زمینه‌هایی است که فرد در اوقات فراغت یا حتی به عنوان یک شغل (مربی ورزش، ورزشکار حرفه‌ای) بدان می‌پردازند، که این فعالیت ورزشی هزینه‌هایی را برای فرد به همراه دارد. اشتغال یکی از راه‌هایی است که هزینه‌ها را تامین می‌کند و سطح رفاه نسبی زنان را بالا می‌برد و در نتیجه میزان مشارکت ورزشی زنان بیشتر می‌شود.

فرضیه‌ی رابطه بین تحصیلات و مشارکت ورزشی تایید نشد. به عقیده بورديو، سرمایه فرهنگی می‌تواند تا حدی مستقل از دارایی‌های مادی عمل کند و حتی کمبود پول را جبران کند. یک مدرک دانشگاهی می‌تواند وضع فرد را بهتر جلوه دهد چراکه جامعه امروزی تحصیلات عالی و کسب مدرک را نوعی ارزش می‌داند. همچنین افراد جامعه، برای آنهایی که سرمایه فرهنگی یا تحصیلات بیشتری دارند، نوعی احترام قائلند؛ با این اوصاف دسترسی به چنین سرمایه‌ی تحصیلاتی، نیاز به هزینه‌هایی حتی در زمان و مکان دارد، چنین فردی دیگر در اوقات فراغت خود وقتی برای فعالیت ورزشی ندارد.

نتایج ضریب رگرسیون رابطه‌ی اعتماد بین شخصی و مشارکت ورزشی را تایید نکرد. اعتماد از ایمان و اطمینان است ولی متفاوت از آن و وابسته به ناآشنایی است. در عین حال اعتماد ناخودآگاه بوده و حتی قابل تصمیم‌گیری است.

فرضیه مصرف رسانه‌ای و مشارکت ورزشی تایید شد. رسانه‌ها ابزار خوبی برای تبلیغ و گسترش ورزش بشمار می‌روند. رسانه‌ها قادر به انعکاس تمام واقعیت‌ها نیستند، در عوض آنها باز نمودی از واقعیت ورزش زنان را ارائه می‌دهند. بین مشارکت ورزشی زنان و رسانه ارتباط

وجود دارد؛ و دلایل آن، رشد بیش از حد ورزش تجاری، تاکید زیاد بر ورزش های نخبه گرایی در میان زنان، توجه روز افزون مردان و بخصوص زنان به شرکت در فعالیت ورزشی، افزایش روزنامه های ورزشی و افزایش برنامه های ورزشی تلویزیونی و ماهواره ای نشان از ارتباط متقابل و کارکردهای رسانه برای مشارکت زنان در ورزش دارد. از نتایج این پژوهش چنین برمی آید که بر اثر نفوذ و گسترش شبکه های ماهواره ای بخش قابل توجهی از زنان جوان جامعه به طور خاص شهر یزد، تحت تاثیر هجمه های تبلیغاتی و برنامه های این رسانه ها قرار گرفتند، لکن از سویی بدلیل حاکمیت فرهنگ دینی و مذهبی در میان خانواده ها، بخش عمده ای از آنها از برنامه ها و محتوای رسانه های داخلی استفاده می کنند. اینکه زنان برنامه های رسانه ملی را مصرف کنند یا ماهواره را زیاد مهم نیست. چراکه مهم این است که کدام نوع برنامه را انتخاب می کنند. نوع انتخاب این برنامه هاست که در زنان یزدی تمایزات سرمایه ای را در حال وجود آوردن است که موافق با مذهب نیست. اما مصرف ماهواره و رسانه های ملی به طور صحیح، به غنی شدن سرمایه فرهنگی - اجتماعی زنان کمک می کند و در نهایت آنان سبک های زندگی بهتر و موافق با شرایط زمان و مکان را یاد می گیرند که یکی از تاثیرات آن اهمیت دادن به فعالیتهای ورزشی و شرکت در ورزش است.

نتایج ضریب رگرسیونی رابطه بین ارتباطات اجتماعی و مشارکت ورزشی را تایید می کند. بردیو ارتباطات بین افراد را به عنوان عواملی می داند که در انباشت سرمایه اجتماعی نقش دارد. به اعتقاد بردیو، سرمایه اجتماعی به عنوان شبکه ای از روابط، ودیعه ای طبیعی یا اجتماعی نیست، بلکه در طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد. از نظر او روابط اجتماعی پلی است که زنان می تواند از طریق آن به منابع اقتصادی و فرهنگی دسترسی داشته باشند در حقیقت تاکید او بر مشارکت زنان در شبکه های اجتماعی است، که این مشارکت سبب دسترسی زنان به منابع و امکانات گروهی می شود. مذهب در یزد یکی از کانال هایی است که زنان از طریق آن وارد اجتماع می شوند در درون این نهاد مذهبی، فعالیت و روابط اجتماعی وجود دارد که زنان را بیشتر اجتماعی می کند و باعث می شود زنان با نوع روش زندگی یکدیگر بیشتر آشنا شوند و فعالیتهای اجتماعی بیشتری نیز داشته باشند که یکی از این فعالیت ها پرداختن به ورزش است.

فرضیه واسطه‌ای هویت اجتماعی با مشارکت ورزشی تایید شد. بین بعد جنسیتی هویت اجتماعی زنان و مشارکت ورزشی رابطه معنی‌داری وجود دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که با افزایش میزان هویت جنسیتی، میزان مشارکت ورزشی در زنان بیشتر می‌شود. چراکه ورزش باعث اعتماد به نفس در زنان شده و میزان خودباوری آنان، در میان جمع می‌شود. بین بعد ملی هویت اجتماعی زنان و مشارکت ورزشی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. به عبارت دیگر افزایش هویت ملی زنان در میزان مشارکت آنان در فعالیت ورزشی تاثیر گذار نیست. چند دهه است که زنان و دختران در سراسر جهان هویت‌های جا افتاده و سنتی خود را مورد سؤال قرار داده‌اند و با آن به رویارویی برخاسته و برای بنیان نهادن راههای برابرجویانه‌تر و آزادانه‌تر، مبارزه می‌کنند و می‌خواهند هویتی بیش از زندگی خانگی و خانوادگی داشته باشند که در نهایت امر زنان به فعالیت‌های متفاوتی از جمله مشارکت ورزشی در کنش با جامعه می‌پردازند. یکی از مشکلات و محدودیت‌های پژوهش، نبود ابزار اندازه‌گیری از جمله مقیاس و پرسشنامه برای سنجش مشارکت ورزشی است. با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش مشارکت در فعالیت‌های ورزشی می‌تواند باعث رشد ارتباطات اجتماعی فرد شود. این پژوهش به این نتیجه رسید که مصرف رسانه‌های جمعی در میان زنان شهر یزد بالاست. با توجه به اینکه زنان مصرف‌کننده مشترک برنامه‌های تلویزیون و ماهواره هستند؛ به نظر می‌رسد که باید در برنامه‌ریزی برای تولید برنامه در تلویزیون، به برنامه‌های ماهواره‌ای، کارکردها و تاثیرات آن توجه نمود. بیشترین زمان مصرف ماهواره و تلویزیون موقع استراحت در منزل در ساعات شب است، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های ورزشی در تلویزیون ملی، در قالب مستندهای ورزشی برای خانواده‌ها و زنان، در این ساعات متمرکز شود تا علاوه بر جلوگیری از کاهش تاثیرات ناشی از پخش آنها در ساعات کم بیننده، از مراجعه مخاطبین به برنامه‌های ماهواره‌ای جلوگیری نموده و در هدف غنی‌تر کردن سرمایه اجتماعی زنان در داشتن سبک و شیوه زندگی و در نهایت فعالیت‌های ورزشی نزدیکتر شویم. به پژوهشگران علاقه‌مند به این حوزه توصیه می‌شود که تحقیقات مشابهی بر روی مردان انجام گیرد و نتایج آن با بانوان جوان مقایسه شود. مشارکت ورزشی را می‌توان در همه قشرها و گروه‌های اجتماعی مورد بررسی قرار داد که پیشنهاد می‌شود گروه‌هایی مانند دانش‌آموزان، معلمان، کارگران و ... مورد بررسی قرار گیرند. در نهایت

امر به محققان علاقه‌مند در زمینه مشارکت ورزشی پیشنهاد می‌شود برای اینکه ابعاد مختلف و لایه‌های پنهان مساله پژوهش بهتر فهمیده شود در کنار استفاده از روش کمی برای مطالعه موضوع، از روش کیفی استفاده نمایند. در مجموع استراتژی تبیین متوالی (ایمان، ۱۳۸۸: ۲۶۴) به عنوان بهترین روش مطالعاتی عرصه مشارکت ورزشی (با توجه به جامعه و نمونه مورد مطالعه) به محققان علاقه‌مند توصیه می‌شود.

### منابع

- ۱- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی در علوم انسانی، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۲- بوردیو، پیر (۱۳۸۰). نظریه کنش: دلایل عقلی و انتخاب عقلانی. ترجمه مرتضی مردیها، انتشارات نقش نگار.
- ۳- پارسامهر، مهربان و رحمت‌اله ترکان (۱۳۹۱). "بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی (مطالعه موردی: پرستاران بیمارستان‌های دولتی شهر یزد)"، پژوهش پرستاری، دوره ۷ شماره ۲۶، پاییز، صص ۶۹-۷۹.
- ۴- پارسامهر، مهربان (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی ورزش، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- ۵- پارکز، ژانت بی و بیورلی آرکی‌زنگر و جروم کواترمن (۱۳۸۲). مدیریت معاصر در ورزش، ترجمه محمد احسانی، تهران: انتشارات دفتر نشر آثار علمی و دانشگاه تربیت مدرس.
- ۶- پایگاه اطلاعاتی پزشکان ایران <http://www.irteb.com/sportmedical/taharok.htm>
- ۷- رحمانی فیروزجاه، علی و محمود شارع‌پور و صدیقه رضایی‌پاشا (۱۳۹۰). "سنجش تمایز سرمایه اجتماعی جوانان با محوریت مشارکت ورزشی (مطالعه موردی: دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار دانشگاه مازنداران)"، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره ۲، صص ۳۷-۶۳.
- ۸- زین‌آبادی، مرتضی (۱۳۸۷). "تئوری‌ها و نظریات مربوط به اعتماد اجتماعی در جامعه"، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام گروه پژوهش‌های

- فرهنگی و اجتماعی، پژوهش‌نامه‌ی اعتماد اجتماعی ۱۶، صص ۳۲-۹.
- ۹- شارع‌پور، محمود و علی حسینی‌راد (۱۳۸۷). "بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی (مطالعه موردی شهروندان ۱۵-۲۹ ساله‌ی شهر بابل)"، مجله حرکت، شماره ۳۷، صص ۱۵۳-۱۳۱.
- ۱۰- صدراقتی‌فرد، مجتبی و الهام ارجمند (۱۳۸۹). "انگیزه‌های زنان ایرانی از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی پژوهشی در شناسایی عامل‌های موثر بر مشارکت زنان (مطالعه موردی: زنان ۲۰ تا ۳۴ سال شهر سمنان)"، فصلنامه زن و جامعه، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹، صص ۹۷-۱۲۲.
- ۱۱- عسکری‌ندوشن، عباس و سیدعلیرضا افشانی و راضیه ذاکری‌هامانه و سمیه عسکری‌ندوشن (۱۳۹۰). "تمایلات مصرفی زنان در شهر یزد"، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، صص ۹۳-۱۱۶.
- ۱۲- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵). پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
- ۱۳- قاسمی، وحید (۱۳۸۹). مدل‌سازی معادلات ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics، تهران: جامعه‌شناسان.
- ۱۴- قنبری‌نیاکی، عباس (۱۳۶۵). ورزش بانوان، گروه علوم انسانی، انتشارات واحد فوق برنامه بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
- ۱۵- گبینز، جان آر. و ریمر، ب (۱۳۸۱). سیاست پست مدرنیته، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات گام نو.
- ۱۶- مصفا، نسرين (۱۳۷۵) مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۷- مهرآیین، محمدرضا (۱۳۸۷). نظریات جدید جامعه‌شناسی و ورزش، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- ۱۸- النورالخولی، امین (۱۳۸۳). ورزش و جامعه، ترجمه حمید رضا شیخی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، تهران: انتشارات سمت.



- ۱۹- یزدان‌پناه، لیلیا و فاطمه صمدیان (۱۳۸۷). "تاثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمانی"، مطالعات زنان، سال ۶، شماره ۲، صص ۱۲۷-۱۳۹.
- 20- Ball, Kylie, Verity J. Cleland, Anna F. Timperio, Jo Salmon, Billie Giles-Corti, David A. Crawford. (2010). "Love thy neighbour? Associations of social capital and crime with physical activity amongst women", *Social Science & Medicine*, Volume 71, Issue 4, August 2010, Pages 807-814.
- 21- Carron, A., Ball, J., & Chelladurai, P. (1977). "Motivation for participation, success in performance and their relationship to individual and group satisfaction", *Perceptual and Motor Skills*, Vo.45, Pp.835-841
- 22- Cooper, Patrick(2010). "Gender, sports,and adjustment in preadolescent children", Florida Atlantic University, ProQuest LLC,Pp1-42.
- 23- Gaotri, H. (1986). "Popular Participation in Development". Paris: VNESCO, PP.12-18.
- 24- Godin Gaston. Shepard Roy. (1990). Use of attitude behaviour models in exercise pro-motion *Journal Sport Medicine*. Pp. 187-206.
- 25- Helly, Denis. 1997. "Voluntary and Social Participation by People of Immigrant." Paper presented at the Second National Metropolis Conference, 23-25 November, Montreal, Quebec, Canada.
- 26- Roberts, G. C. (1992). "Motivation in sport and exercise: conceptual constraints and convergence", *Motivation in sport and exercise*, Pp.3-31.
- 27- Seippel O. " Sport and Social capital". *Acta Sociological*. 2006; 49(2): 169-183.
- 28- Smith, Jennifer.L. (2011). "The Relationship Between High School Sports Participation and Youth Violence", Ph.D of University of Wisconsin.
- 29- Swartz, D.L. (2002). "The Socioligy of habit: The Perspective of Pierre Bourdieu". *The Occupational Therapy jonrnal of rsearch*. Vo. 12, No. 3, Pp.59-78.
- 30- Thomas, Perks. (2007). "Does Sport Foster Social Capital? The Contribution of Sport to a Lifestyle of Community Participation", *Sociology of Sport Journal*, Vo. 24, Pp.378-401.
- 31- Tonts, M. (2005). "Competitive Sport and Social capital in Rural Astralia". *Journal of Rural Studies*, Vo.21, No.2, Pp.137-152.
- 32- Turner, J. (1998). *The structural of sociological theory*. Belmont, CA: Wades worth Publishinh company.
- 33- Molinas, J. (1998). *The impact of inequality, Gender. External Assistance and the state*. London: Methuend.

